

آیا مسکو ضامن احیای تقاهم اسلام آباد می شود؟

ادامه از صفحه ۱

... در عشق آباد و مهمتر از آن، دیدار مسعود پزشکیان با ولادیمیر پوتین در حاشیه نشست سران کشورهای مشترک المنافع است. بد نیست لیاد و زوایای گوناگون اثر گذار بر این سفر مورد ارزیابی قرار گیرد.

(۱) در مقطع خطیر کنونی که بحران منطقه‌ای و تنش‌های فزاینده میان ایران، آمریکا و تحركات تحریک‌آمیز رژیم صهیونیستی به نقطه جوش رسیده، حضور عالی‌ترین مقام دیپلماتیک مسکو در پایتخت می تواند حامل دلالت‌های ژئوپلیتیک سرنوشت‌سازی باشد؛ به‌ویژه اگر هدف غایی این سفر را ایفای نقش میانجی‌گرانه برای تثبیت توافقات امنیتی ملحق مشخصاً «تفاهم اسلام‌آباد» بدانیم. برای فهم دقیق ایجاد این سفر اما، باید وضعیت اقتصادی شکننده ایالات متحده را در مختصات کنونی تحلیل کرد. دولت ترامپ از پیامدهای استراتژی‌های پرهزینه تقابلی به شدت تحت فشار است. چشم سراسر او بر پاهای سوخت (به‌طوریکه که گازوئیل در سطوح پایین یک دلار به ازای یک باران از پنج دلار در هر گالن رسیده) شوک عظیمی به ساختار تولیدی و زنجیره تأمین امریکا وارد کرده است. از آنجا که نرخ بنزین و گازوئیل در اقتصاد امریکا یک شاخص مرجع به شمار می‌رود، جهش آن موجب از تورم فزاینده ایجاد کرده و طبقات کارگری، رانندگان حمل‌ونقل جاده‌ای و کشاورزان را در آستانه اعتراضات فراگیر قرار داده است. به گونهای که برخی تحلیلگران از خطر شورش طبقات کارگری و دهقانان و فقر در ایالات متحده می‌گویند. چراغ سبزی‌های تغییر از اسداری واردات گازوئیل روسیه از سوی واشنگتن، پاداشی ناگهانی برای حل معضلی ساختاری است. ترامپ به خوبی آگاه است که بدون همراهی و اعطاف مسکو، مهر بحران او کربان و تخفیف تنش‌های نفتی ناممکن خواهد بود. این نیرو، کاخ سفید برای مهار بحران‌های چندوجهی خود، محتاج کالال ارتباطی کرملین است. این احتیاج دوجانبه مسکو و واشنگتن، اهرم چانه‌زنی منحصرفردی در اختیار روس‌ها قرار می‌دهد تا بر پرونده‌های دیگر، از جمله مهار بحران بیرونی ایران، نقش موازنه‌ساز و میانجی را اعمده‌تر شوند.

(۲) یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های پیشین «تفاهم اسلام‌آباد»، فقدان حضور و پشتیبانی قدرتهای تراز اول جهانی مانند چین، روسیه و اروپا در فرآیند تدوین و تضمین آن بود. هر چند کشورهای نظیر پاکستان تمایل به تنش‌زدایی منطقه‌ای داشته‌اند، اما به دلیل محدودیت وزن ژئومونیک، فاقد ابزار کارهای لازم برای ضمانت‌بخشی پایدار بودند. از سوی دیگر، تلاش‌ها برای درگیرسازی تمام‌پایه یک نیز به دلیل اصطکاک‌های ساختاری میان چین و آمریکا و بازگشت دست خالی طرفین از رایزنی‌های دوجانبه، به نتایج ملموس در پرونده خاورمیانه ختم نشدند. این میان، مسکو به دلیل موقعیت جغرافیایی، به‌خورداری از حق‌و‌تور و شورای امنیت و ظرفیت چانه‌زنی متقابل با واشنگتن، از صلاحیت بالاتری برای بر کردن این خلأ راهبردی برخوردار است. ورود مستقیم کرملین به فرآیند تنش‌زدایی و احیای تفاهم اسلام‌آباد، بخشی از این بدست‌ها را صرف اعاده توازن امنیتی در پرونده ایران و تضمین تفاهمات منطقه‌ای سازد.

(۳) در ادبیات روابط بین‌الملل، همواره خطوط‌مسلان کشیدن‌ها، زرمایش‌ها و افزایش لحن تهدیدآمیز در آستانه گفت‌وگوها، ابزاری شناخته شده برای ایل بردن دست مذاکراتی جهت امتیازگیری حداکثری پای میز است. تقلیل لفظی اخیر میان ایران و آمریکا را نیز باید با همین عینک سنجید. گسترش جنگ و ورود به منازعه مستقیم نظامی در این مقطع زمانی، به دلیل در پیش بودن رویکردهای سرنوشت‌ساز سیاسی در آمریکا، هرگز خواست قلبی واشنگتن نیست؛ جنگ تمام‌عیار تنها منافع جناح‌های تندرو و مشخصاً اسرائیل را تأمین می‌کند که بقای خود را در سوختن منطقه می‌بینند. بر همین اساس، هرگونه ماجراجویی خارج از قاعده برای آزمودن ظرفیت جنگی کرملین خطایی راهبردی است. سفر سرگئی لاوروف به تهران دقیقاً در همین پیرامون حساس می‌تواند نقش ترمز اضطراری را بازی کند. اگر دیپلماتی فعال بتواند بر آتش در اندیکال آب بریزد، مسکو قادر است دیدگاه‌های طرفین را به یکدیگر نزدیک سازد. بنابراین سفر وزیر امور خارجه روسیه به تهران رویدادی نویدبخش است. سفری که در صورت هوشمندی دستگاه دیپلماتیک کشور، ظرفیت اثر را دارد که با افزودن ضمانت‌بین‌المللی به تفاهم اسلام‌آباد، دیپلماتی را از بن‌بست کنونی خارج و منطقه را از افتادن در تله جنگی ناخواسته محافظت کند.

علی‌بیگدلی
alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا با دوطر ح سه‌فوری تی اقتصاد مقاومتی را بررسی می کند
اقتصاد مقاومتی در آزمون ثبات و تولید

ایرانی، از الزامات این مسیر است. هرچه تولید داخلی توان بیشتری برای تأمین نیاز بازار داشته باشد و صادرات کشور از تنوع و ارزش افزوده بالاتری برخوردار شود، امکان کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر فشارهای خارجی نیز افزایش خواهد یافت. در همین چارچوبه الزام همه صادرکنندگان به فروش سدرصد از حاصل از صادرات به بانک مرکزی، یکی از تصمیم‌های پیشنهادی مهم و ضروری برای تأمین نیازهای وارداتی کشور ضرورت دارد. اما اجرای موفق آن به تعیین سازوکار شفاف، متناسب و قابل پیش‌بینی برای صادرکنندگان وابسته است. تفاوت شرایط صنایع، هزینه‌های تولید، زمان‌بندی دریافت وجوه صادراتی و دشواری‌های نقل و انتقال پول باید در طراحی مقررات اجرایی مورد توجه قرار گیرد تا سیاست بازگشت ارز، به جای تقویت صادرات رسمی، انگیزه فعالیت تولیدی و تجاری را تضعیف نکند.

تولید و معیشت: معیار سنجش سیاست‌های اقتصادی
در حوزه تولید، طرح پیشنهادی می‌کند قیمت مواد خام و اولیه داخلی برای مصرف داخلی بر مبنای هزینه تمام‌شده و به‌عنوان ریل تعیین شود و عرضه محصولات صنایع بالادستی با سود مصوب صورت گیرد. همچنین، ممنوعیت واردات کالاهای دارای مشابه داخلی و تغییر سازوکار قیمت‌گذاری انرژی و مواد اولیه در آن پیش‌بینی شده است. این رویکرد می‌تواند با کاهش هزینه نهاده‌ها، فرصتی برای تقویت صنایع پایین‌دستی و افزایش رقابت‌پذیری تولید ایجاد کند. اما نتیجه نهایی به نحوه اجرا بستگی دارد. قیمت‌گذاری دستوری، اگر بدون توجه به هزینه واقعی تولید، سرمایه‌گذاری لازم برای نوسازی تجهیزات و تأمین مالی صنایع انجام شود، ممکن است به کاهش انگیزه تولید، افت کیفیت یا اختلال در زنجیره تأمین منجر شود. حمایت مؤثر از تولید، علاوه بر مدیریت هزینه‌ها، به ثبات مقررات، دسترسی به سرمایه در گردش، بهره‌وری و امکان رقابت در بازارهای داخلی و خارجی نیاز دارد. در بخش معیشت نیز طرح ارائه کارگران به

نرخ رسمی ارز را به‌تدریج کاهش دهد و پس از آن، نرخ دلار را به مدت پنج سال در رقم ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت کند. همچنین، تأمین نیازهای ارزی از مسیر رسمی، محدود کردن معاملات خارج از نرخ اعلامی بانک مرکزی و جمع‌آوری بازارهای موازی ارزی در مواد دیگر پیشنهاد شده است. هدف این رویکرد، کاهش ناهمبندی، جلوگیری از انتقال نوسانات ارزی به قیمت کالاها و فراهم کردن امکان برنامه‌ریزی برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. با این حال، تثبیت نرخ ارز به‌تنهایی تضمین‌کننده ثبات اقتصادی نیست. پایدار چنین سیستمی به میزان منابع ارزی در دسترس، توان تأمین تقاضای واقعی واردکنندگان، وضعیت صادرات و واردات و هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی بستگی دارد. اگر نرخ تعیین‌شده با شرایط عرضه و تقاضای ارز و تحولات هزینه‌های تولید همخوانی نداشته باشد، احتمال شکل‌گیری تقاضای مزاحم محدودیت دسترسی به ارز رسمی یا انتقال معاملات به مسیرهای غیررسمی وجود خواهد داشت. بنابراین، مسئله اصلی فقط تعیین نرخ نیست بلکه توانایی نظام اقتصادی برای تأمین مستمر ارز با آن نرخ و پاسخ‌گویی به نیازهای واقعی تولید و تجارت است.

دلار دای: از محدودیت معاملات تا تقویت تولید
بخش دیگری از طرح بر کاهش نقش دلار در اقتصاد داخلی تأکید دارد. حذف دلار از چرخه تأمین ارز خدماتی، توسعه میلات یا ارزهای محلی، عضویت در سازمانهای پرداخت کشورهای همسوسه تغییر سازوکار تجارت خارجی از جمله پیشنهادها مطرح شده در این زمینه است. این اقدامات می‌تواند در صورت فراهم بودن زیرساخت‌های بانکی، تجاری و مالی، وابستگی به مسیرهای پرداخت تحت سلطه قدرتهای خارجی را کاهش دهند و ظرفیت بیشتری برای مدیریت محدودیت‌های بین‌المللی ایجاد کنند. با این حال، دلار دارای صرفاً مانع بودن معاملات یا تغییر واحد محاسبه قیمت‌ها ایجاد نمی‌شود. تنوع بخشی به شرکای تجاری، محقق امکان تسویه پایدار با ارزهای دیگر، توسعه روابط بانکی و افزایش قدرت رقابت کالاهای

اختصاصی پیام آشنا- طرح پیشنهادی ۲۴ ماده‌ای «اقتصاد مقاومتی» با محورهای همچون تثبیت نرخ ارز، کاهش وابستگی به دلار، تغییر سازوکار نظام بانکی، حمایت از تولید داخلی و بازنگری در سیاست‌های پارلمانی، مجموعه‌ای از پیشنهادها برای تغییر مسیر مدیریت اقتصاد کشور را مطرح کرده است؛ طرحی که در صورت طی مراحل قانونی، تصویب و اجرای مؤثر می‌تواند بر مناسبات پولی، تجاری و تولیدی کشور اثر بگذارد، اما تحقق اهداف آن به تأمین منابع، هماهنگی سیاست‌های اقتصادی و توجه به پیامدهای اجرایی وابسته است.

اقتصاد ایران سال‌هاست با مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته مواجه است. تورم، نوسانات ارزی، کاهش قدرت خرید خانوارها، دشواری تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها و وابستگی بخشی از تولید به واردات مواد اولیه، تنها بخشی از مسائلی است که ثبات اقتصادی را به یکی از مطالبات اصلی جامعه تبدیل کرده است. در چنین شرایطی، طرح‌هایی با هدف تقویت پول ملی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر فشارهای خارجی، زمانی می‌تواند اثرگذار باشد که از سطح تعیین اهداف کلی فراتر برود و برای موانع اجرایی و پیامدهای احتمالی سیاست‌ها نیز راهکار روشن داشته باشد.

متن ۲۴ ماده‌ای طرح اقتصاد مقاومتی، پس از بررسی در معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی، در سامانه جامع قانون‌گذاری بارگذاری شده تا در اختیار نمایندگان برای امضای قرار گیرد. این طرح با در خواست سقوی ارائه شده است؛ با این حال، بارگذاری متن برای جمع‌آوری امضا را نباید به معنای تصویب فوری یا نهایی شدن مفاد آن دانست. تثبیت نرخ ارز، الزام صادرکنندگان به بازگرداندن ارز حاصل از صادرات، محدود کردن معاملات بر مبنای نرخ‌های غیررسمی، تغییر سیستم قیمت‌گذاری مواد اولیه و انرژی، سفر شدن نرخ بهره اسمی بانکی و افزایش حمایت از کشاورزی از مهم‌ترین محورهای این پیشنهادها قانونی است.

ثبات ارزی: هدفی فراتر از اعلام یک نرخ
یکی از مهم‌ترین بخش‌های طرح، استقرار نظام ارزی ثابت و تک‌نرخ است. بر اساس ماده ۳، بانک مرکزی موظف خواهد شد طی دو ماه

محبوبه بیگدلی - عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت، تأکید می‌کند: وقتی خبری از ارتباط رسمی با خودروسازان جهانی نیست و خودروها از نمایشگاه‌های دست‌سوم کشورهای همسایه تأمین می‌شوند، انتظار ارائه خدمات پس از فروش، استاندارد، پیش از آنکه واقعیت باشد، یک خوش‌خیالی است.

واردات خودرو که قرار بود مرهمی بر زخم ناترازی بازار و ابزاری برای شکستن انحصار خودروسازان داخلی باشد، امروز خود به یکی از گرهمای دقیق اقتصادی تبدیل شده است. بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که این سیاست، نه تنها گشایشی در بازار ایجاد نکرده، بلکه با عبور از ریل استانداردهای جهانی و افتادن در مسیر دلال‌محور، زیرساخت‌های حیاتی مانند خدمات پس از فروش را در معرض فروپاشی قرار داده است. آنچه امروز به عنوان واردات در سطح جامعه معرفی می‌شود، نه تنها یک برنانه کلان اقتصادی نیست، بلکه مُسکنی موقت یا عوارض جانی سنگین است که دواد آن تنها به چشم مصرف‌کننده‌های خواهد رفت.

ریشه ناترازی: از سیاست‌های ارزی تا واردات چمنی
مشکل واردات خودرو به گفته کارکنان فراتر از یک تصمیم اداری در وزارت صمت است و ریشه اصلی این بحران در محدودیت‌های ارزی نهفته

خوارهای کمرآمد تا دهک هفتم و پرداخت یارانه نقدی به سه دهک نخست را پیش‌بینی می‌کند. نکته مهم آن است که حمایت‌میشی باید به حفظ قدرت خرید منجر شود، نه اینکه صرفاً در قالب پرداخت اسمی منیع تعریف شود. شناسایی دقیق مشمولان، تأمین پایدار منابع و کنترل تورم، تعیین می‌کند که این حمایت‌ها تا چه اندازه بتوانند فشار هزینه‌های زندگی را کاهش دهند.

نظام بانکی و کشاورزی: دو آزمون مهم اجرا
صفر کردن نرخ بهره اسمی بانکی‌ها در یک مرحله، از دیگر پیشنهادها قابل توجه طرح است. اقدامی که با هدف کاهش هزینه تأمین مالی مطرح شده، اما اجرای آن بدون بازطراحی سازوکار تجهیز منابع، تخصیص تسهیلات و جبران هزینه‌های بانکی می‌تواند با چالش مواجه شود. کاهش هزینه وام‌زانی به رونق تولید کمک می‌کند که منابع بانکی به فعالیت‌های مولد برسد و دسترسی بنگاه‌های کوچک و متوسط به اعتبار نیز بهبود یابد.

در بخش کشاورزی نیز اختصاص منابع صندوق توسعه ملی، اصلاح روش‌های آبیاری، توسعه آبشاری، تولید بذرها، مقابله به خشکی و افزایش بهره‌وری مورد توجه قرار گرفته است. اهمیت این بخش برای امنیت غذایی و کاهش وابستگی به واردات روشن است، اما تحقق اهداف کمی بلندپروازانه آن به مدیریت منابع آب، تأمین اعتبار، فناوری و ارزیابی مستمر نتایج نیاز دارد. در نهایت، اقتصاد مقاومتی زمانی از یک عنوان سیاستی به برنامه‌ای اثرگذار تبدیل می‌شود که میان ثبات پولی، انضباط مالی، حمایت‌هدفمند از تولید و حفظ قدرت خرید خانوارها پیوندی عملی برقرار شود. طرح پیشنهادی مجلس، مجموعه‌ای گسترده از مداخلات اقتصادی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد؛ با این حال، موفقیت آن نه با تعداد مواد قانونی، بلکه با امکان‌پذیری اجرا، تأمین منابع، هماهنگی نهادی و نتایج قابل سنجش در زندگی مردم ارزیابی خواهد شد. تقویت اقتدار اقتصادی مستلزم آن است که هر تصمیم، علاوه بر اهداف اعلام‌شده، از نظر پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت نیز سنجیده شود تا ثبات اقتصادی به پشتوانه‌ای پایدار برای تولید ملی و رفاه عمومی تبدیل شود.

پیام آشنا گزارش می دهد
واردات خودرو بدون پشتوانه خدمات

بن‌بست واردات خودرو
در مجموع با بررسی شواهد موجود به نظر می‌رسد: تا به امروز تنها حدود ۳۰ هزار دستگاه خودرو وارد کشور شده است. رقمی که در برابر نیاز واقعی بازار، قطره‌ای در دریاست، اما خطر اصلی، تعداد نیست، بلکه کلیوس نگهداری است. خریداران این خودروها بسرودی با چالش‌های جدی نبود قطعات یدکی، مشکلات فنی نرم‌افزاری و هزینه‌های سرسام‌آور تعمیرات مواجه خواهند شد، چرا که هیچ کمپانی مادر و معتبری در ایران حضور ندارد تا پاسخگوی استهلاک این محصولات باشد و در نهایت، پرونده واردات خودرو تا زمانی که بر پاشنه تأمین ارزی نایاب، واسطه‌گری تجاری و ریزش بازار به دست دلالان خُرد می‌چرخد، درمی‌بُرای بازار بیمار خودرویی ایران نخواهد بود؛ چرا که سیاست‌گذار با ارتباط با زنجیره اصلی تولید جهانی و حل‌فصل بر بن‌ساخته‌های بانکی، واردات خودرو تنها انتقال یک بحران از کارخانه به بازار مصرف است و اگر پیش از وقوع فاجعه‌ای بزرگ‌تر، فکری به حال زیرساخت‌های حیاتی تأمین قطعات و خدمات پس از فروش نشود، خودروهای وارداتی طولی نخواهد کشید که به جای کالای سرمایه‌ای به عتیقه‌های بی‌ارز و ویرانه‌در پارکینگ مالکان تبدیل شوند.

خردفروشی دست‌سوم خریداری شده و به صورت چمنی به کشور می‌آیند این مسئله ناگاه کارکنان، یعنی مصرف‌کننده ایرانی، خودرو را نه از نمایندگی رسمی کارخانه، بلکه از یک واسطه نمایشگاهی خریداری می‌کند که هیچ تعهدی نسبت به استانداردهای خودروساز ندارد و در صورت بروز خرابی، هیچ شبکه پشتیبانی برای آن وجود ندارد.

هرچ‌مورج ۱۹۰۰ واردکننده: زنگ خطری برای خدمات
در حالی که در دوره‌های قبلی، بازار خودروهای وارداتی توسط تعداد محدودی واردکننده حرفه‌ای و دارای شبکه خدمات پس از فروش استاندارد اداره می‌شد، امروز با حضور بیش از ۱۹۰۰ واردکننده، شاهد نوعی هرچ‌مورج در بازار هستیم. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت می‌گوید: تقسیم محدود از موجود میان متقاضیان واردات، نه تنها غیراقتصادی کرده، بلکه ارائه خدمات پس از فروش را به یک کالاف سرگردم تبدیل کرده است. کارکنان خاطرنشان می‌کنند: زمانی که هر واردکننده، خودرو را از یک مبدأ و از یک نمایشگاه متفرقه خریداری می‌کند، ایجاد یک شبکه خدمات پس از فروش منسجم غیرممکن است. این برآکنندگی برنهاد و مدل‌ها منجر به جانش‌بزرگ تأمین قطعات یدکی و آپدیت‌های نرم‌افزاری برای مالکان خودروهای خود شد.

است. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت با تأکید بر اینکه بانک مرکزی از سال ۱۳۹۶ و هدف مدیریت منابع ارزی، محدودیت‌هایی را برای واردات کالاها، به‌ویژه خودرو وضع کرده می‌گوید: این تصمیمی ضروری برای حفظ تراز ارزی بود، اما فشار انبوهی که واردات خودرو به سیستم بانکی دولت را داشت تا با نسخه‌ای غیرکارشناسی، راه را برای واردات باز کند. به گفته وی، نتیجه این تصمیم، خروج ارز از کشور و تحریک بیشتر نرخ ارز بود، چراکه ماهیت این واردات، رانت‌محور است و با توجه به ظرفیت‌های محدود ارزی کشور، عملاً راه به جایی نمی‌برد.

واقعیت پنهان خودروها: از کجای می‌آیند؟
تکنای کس که در پس پرده واردات خودرو پنهان مانده و کمتر به آن پرداخته شده، نحوه تأمین کالا است. کارکنان در این مورد تأکید می‌کنند: واقعیت این است که به دلیل تحریم‌ها و عدم دسترسی به شبکه بانکی بین‌المللی ناشی از عدم پایبندی به FATF، تقریباً هیچ‌یک از خودروهای وارداتی از مبای رسمی شرکت‌های خودروساز جهانی مانند تویوتا، هیوندای یا مینسان تأمین نمی‌شوند. وی ادامه می‌دهد: آنچه در بازار مشاهده می‌کنیم، خریدهای است که توسط شرکت‌های واسطه‌ای در چین یا کشورهای حاشیه خلیج فارس انجام می‌شود؛ چرا که این خودروها نه از خط تولید، بلکه از نمایشگاه‌های